

زندگی صحنه‌ی یکتای هنر شد کما

هر کسی نغمه‌ی خود خواند و از صحنه رود
صحنه پیوسته به جاست

غرم آن نغمه‌ی مردم پیازند

امتیاز نشر کتاب‌های اندیشه سازان در پی تصمیم آن مؤسسه به تعلیق
کلیه فعالیت‌های خود، رسماً طی توافق نامه‌ای دو جانبه برای مدت
معین به انتشارات مبتکران واگذار شده است.

بوذری، پیمان، ۱۳۴۹ -

پرسش‌های چهارگزینه‌ای عربی (۳) مؤلف: پیمان بوذری
تهران: مبتکران، ۱۳۸۴. ۳۸۸ ص.: مصور، جدول، نمودار.
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

ISBN : 964 - 395 - 453 - 6 (ج. ۲)

ISBN : 964 - 395 - 454 - 4 (دوره)

عنوان روی جلد مبتکران: پرسش‌های چهارگزینه‌ای عربی (۳)

«چاپ قبلی این کتاب توسط انتشارات اندیشه‌سازان بوده است»

۱. زبان عربی - کتاب‌های درسی - راهنمای آموزشی (متوسطه). ۲. زبان عربی - آزمون‌ها و تمرین‌ها (متوسطه). ۳. زبان عربی - پرسش‌ها و پاسخ‌ها (متوسطه). ۴. دانشگاه‌ها و مدارس عالی - ایران - آزمون‌ها. الف. عنوان. ب. عنوان: مبتکران: عربی ۳. تجربی - ریاضی.

۳۷۸/۲۳۸۰۷۶ LB ۳۰۶۰/۲۶/۸۵۵۵۴

کتابخانه ملی ایران

۸۴-۱۳۲۰۴م



ناشر: انتشارات مبتکران (پروانه نشر: ۱۶۷/۱۰۲)

تهران، میدان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان نظری، پلاک ۱۱۹، کدپستی ۱۳۱۴۷۶۴۹۶۱

E-Mail: post@mobtakeran.org

تلفن ۹۱ - ۶۶۹۵۴۳۹۰ دورنگار ۶۶۹۵۴۳۹۲

نام کتاب: پرسش‌های چهارگزینه‌ای عربی (۳) - قسمت دوم

مؤلف: پیمان بوذری

ویراستاران: جمال‌الدین هنرور - محمود عاشوری

نوبت چاپ: هفتم ۱۳۸۴ (چاپ اول انتشارات مبتکران)

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

حروف‌نگاری: مؤسسه‌ی فرهنگی - انتشاراتی اندیشه‌سازان

لیتوگرافی: طیف‌نگار

چاپ: چهل چاپ

قیمت ۳۱۰۰ تومان

حقوق چاپ و نشر، محفوظ و مخصوص ناشر است و هرگونه کپی برداری
یا نقل مطالب بدون اجازه ناشر پیگرد قانونی دارد

با نام و یاد خدا

مقدمه‌ی مؤلف

دومین جلد از مجموعه‌ی دوجلدی پرسش‌های چهارگزینه‌ای عربی (۳) تقدیم حضورتان می‌شود. این کتاب نیز در راستای جلد پیشین خود، با شیوه‌ی آموزشی ویژه‌ای به بررسی محتوای کتاب عربی (۳) دبیرستان می‌پردازد. تقسیم‌بندی سه فصل نخستین کتاب، همانی است که در جلد اول شاهد آن بودید و در ادامه، فصل جدیدی را به نام «درس تکمیلی» مشاهده می‌کنید که اختصاص به «درک مطلب» دارد. گزینش و آماده‌سازی چنین فصلی به دلیل اهمیت فراوان متون درک مطلب و سؤالات مربوط به آن در آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها (خصوصاً کنکور سراسری دانشگاه‌های دولتی) می‌باشد. در درس تکمیلی، تمامی متون درک مطلب آزمون‌های عمومی کنکورهای سراسری در طی ۱۰ سال گذشته را در اختیار خواهید داشت که توأم با پاسخ‌های تشریحی، شامل آموزش مرحله به مرحله‌ی چگونگی پاسخ‌گویی به سؤالات و نحوه‌ی رد گزینه‌های نادرست است. توجه داشته باشید که درک مطلب دو سال از کنکورهای سراسری اخیر همراه با سایر سؤالات به‌صورت جداگانه در انتهای جلد اول و این جلد از مجموعه‌ی پرسش‌های چهارگزینه‌ای عربی (۳) ارائه شده است. در انتهای کتاب نیز ضمیمه‌ای را می‌بینید که بررسی جامعی از سؤالات عربی کنکور سراسری دو سال قبل در رشته‌های تجربی، ریاضی، عمومی انسانی، هنر و زبان را دارا است. امید آن دارم که این اثر مورد توجه و استفاده‌ی داوطلبان گرامی کنکور و نیز دانش‌آموزان عزیز سال سوم قرار گیرد. در خاتمه ضمن معرفی ویراستاران، از فرد فرد دست‌اندرکاران تولید این مجموعه تشکر و قدردانی می‌نمایم.

بازخوانی فنی (آموزشی) متن: آقای جمال‌الدین هنرور - آقای محمود عاشوری
ویرایش: آقای محمد وارسته بازقلعه، خانم مهر و ژف، آقای محمد جواد روحیان، آقای سلیمان باباآغایی،
آقای مهدی نصراللهی، خانم سوده جعفری

پیمان بودری

... آدر کاسا و ناولها^۱

یادم هست موقعی که مدرسه می‌رفتیم، معلم عربی‌مان می‌گشت خودش را که این «بخارج» حروف را به ما یاد بدهد، که مثلاً حرف ض را باید چه‌طوری تلفظ بکنیم، و مثلاً موقع تلفظ حرف ث، نوک زبان‌مان را بگذاریم بین دندان‌های جلویی‌مان و ... اما نمی‌شد که نمی‌شد. یادم نمی‌رود که چه‌قدر زحمت می‌کشید و چه‌قدر حرص می‌خورد [الان که داشتم کلمه‌ی «حرص» را می‌نوشتم و یاد او هم بودم، ناخودآگاه حرف ح را در ذهنم از ته حلقم ادا کردم و حرف ص هم کمی در ذهنم سوت زد!] اما فایده‌ای نداشت. یعنی بعد از تذکر، موقع خواندن تا چند کلمه این چیزها یادمان می‌ماند، ولی باز بعد از چند دقیقه همان تلفظ خودمان را می‌کردیم. یک‌بار که دیگر خیلی عصبانی شده بود، سر من داد کشید و گفت: «پسر جان، چرا این‌جوری تلفظ می‌کنی؟ بالاخره کی می‌خواهی یاد بگیری؟ چند دفعه باید بهت بگم؟» بعد با ناراحتی، دفتر کوچکی که همیشه توی جیب بغل کش بود (و اسم همه‌ی ما را توی آن نوشته بود و جدول‌بندی کرده بود همراه با نمره‌هایی که بهمان می‌داد) را درآورد، باز کرد و باله‌نی تند از من پرسید: «بگو ببینم، اسمت چیه؟»

از جا بلند شدم و در حالی که مؤدب ایستاده بودم گفتم: «میثمی» [فقط هنگام تلفظ حرف ث، زبانم را گذاشتم لای دندان‌های جلویی‌ام!]

آقا کلاس بهو رفت رو هوا! خودش هم وسط اون حالت عصبانیت، بهو پقی زد زیر خنده این‌قدر خندید که اشک تو چشمش جمع شد! بعد، قبل از این‌که خنده‌اش درست و حسابی تمام شود، دفترش را که باز کرده بود، آرام بست (بدون این‌که نمره‌ی منفی به من بدهد) و گذاشت توی جیبش و برگشت به سمت تخته، گچ را برداشت، مکثی کرد و قبل از این‌که شروع به نوشتن بکند گفت: «خیله خوب، بشین!»



من بعدها هم نفهمیدم که چرا باید حتماً ح را از ته حلقم ادا کنم؛ و با خودم فکر می‌کردم که در مناطق دیگر کشور (مثلاً سیستان، آذربایجان، گیلان، کرمان، کردستان و ...) که لهجه‌ها، گویش‌ها و حتی زبان‌های مختلف تکلم می‌شود، چگونه یک معلم عربی می‌خواهد به بچه‌ها زور کند که تفاوت تلفظ «غ» و «ق» را رعایت کنند، و آیا این اصلاً با امکانات نظام آموزشی ما، هدف قابل وصولی هست؟ و بعد از آن، آیا اصلاً هدف آموزش عربی در مدارس، چنین چیزی است؟ خوش‌بختانه، تلفظ در کنکور مورد سؤال نبود و ما از

۱ - ... پیمانه‌ای را بگردان و آن را [بر ما] ده (بخشی از مطلع معروف اولین غزل دیوان حافظ: آلا یا ایها الساقی آدر کاساً و ناولها ...). [آدر = بگردان (فعل امر)، از ریشه‌ی «دور»، هم‌خانواده با دُوزان و دایره و این‌ها)، کأس = قدح، پیمانه، همان کاسه‌ی خودمان! (این‌جا منصوب شده چون مفعول بوده). ناول = بده (فعل امر)، ها = ترجمه لازم ندارد]

این لحاظ، جان به سلامت به در بردیم!

نمی‌دانم چرخ بازیگر چه‌طور چرخید که شرایطی برای من فراهم شد که بعدها مقدار کمی عربی و مقدار بیشتری انگلیسی آموختم، و تازه آن موقع‌ها بود که معنی این جمله‌ی معروف را عمیق‌تر درک کردم که: «یک زبان جدید، یک زندگی جدید است.»

زبان‌های مختلف و زنده‌ی دنیا، مداوماً در حال وام‌دهی و وام‌گیری لغات از یکدیگر هستند، و البته شدت این جریان بسته به پیشینه‌ی تاریخی و جغرافیایی، می‌تواند بسیار متفاوت باشد. پیشینه‌ی تاریخی ارتباط و اختلاط زبان عربی با فارسی به‌دنبال استیلای اعراب بر ایران بر همگان آشکار است، به نحوی که بسیاری از کتاب‌های قرون ۳، ۴ و ۵ هجری توسط دانشمندان ایرانی، اساساً به زبان عربی نوشته شده است.

از سوی دیگر، با فراگیر شدن موج نو زبان فارسی (فارسی دری)، باز هم زبان فارسی نتوانست خود را از انبوه لغات عربی مهاجم منزّه کند و واژگان عربی، همچنان بخش قابل توجهی از خزانه‌ی واژگان زبان فارسی را تشکیل می‌دهند. بیایید با هم نگاهی به «فرمان مشروطیت» بیندازیم؛ فرمانی که حدود یکصد سال پیش به‌دنبال تلاش‌های آزادی‌خواهانه‌ی ملت ایران، و بر اثر فشارهای ناشی از آن بر حکومت، توسط مظفرالدین‌شاه امضا شد و طی آن حق ملت در تصمیم‌گیری برای خود از طرف حکومت به رسمیت شناخته شد و «مجلس شورای ملی» به‌دنبال آن تأسیس گشت. من سعی کرده‌ام در این متن، زیر کلماتی که می‌دانستم عربی هستند، خط بکشم:

جناب اشرف صدر اعظم

از آنجا که حضرت باری تعالی جل شانه سر رشته ترقی و سعادت ممالک محروسه ایران را به کف کفایت ما سپرده و شخص همایون ما را حافظ حقوق قاطبه اهالی ایران و رعایای صدیق خودمان قرار داده، لهذا در این موقع که رأی و اراده همایون ما بدان تعلق گرفت که برای رفاهیت و امنیت قاطبه اهالی ایران و تشییّد و تأیید مبانی دولت اصلاحات مقتضیه به مرور در دوائر دولتی و مملکتی به موقع اجراء گذارده شود، چنان مصمم شدیم که مجلس شورای ملی از منتخبین شاهزادگان و علماء و قاجار و اعیان و اشراف و ملاکین و تجار و اصناف به انتخاب طبقات مرقومه در دارالخلافتی تهران تشکیل و تنظیم شود که در مهام امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه مشاوره و مذاقه لازم را به عمل آورده و به هیئت وزرای دولتخواه ما در اصلاحاتی که برای سعادت و خوشبختی ایران خواهد شد اعانت و کمک لازم را بنماید و در کمال امنیت و اطمینان عقاید خود را در خیر دولت و ملت و مصالح عامه و احتیاجات قاطبه اهالی مملکت به توسط شخص اول دولت به عرض برساند که به صحنه همایونی موشح و به موقع اجراء گذارده شود. بدیهی

است که به موجب این دستخط مبارک نظامنامه و ترتیبات این مجلس و اسباب و لوازم تشکیل آن را موافق تصویب و امضای متخیین از این تاریخ مرتب و مهیا خواهد نمود که به صحنه ملوکانه رسیده و به عون الله تعالی مجلس شورای مرقوم که نگهبان عدل ماست افتتاح و به اصلاحات لازمه امور مملکت و اجراء قوانین شرع مقدس شروع نماید و نیز مقرر می داریم که سواد دستخط مبارک را اعلان و منتشر نمایم تا قاطبه اهالی از نیات حسنه ما که تماماً راجع به ترقی دولت و ملت ایران است کما ینبغی مطلع و مرفه الحال مشغول دعاگوی دوام این دولت و این نعمت بی زوال باشند.

در قصر صاحبقرانی به تاریخ چهاردهم شهر جمادی الثانی ۱۳۲۴ هجری در سال یازدهم سلطنت ما.

فکر می کنم اگر زیر فارسی هایش خط می کشیدم راحت تر بود نه؟! [راستی، چون حواستان بیشتر به کلمه های خط کشیده و عربی بودن آن ها بوده، احتمالاً به معنی کل متن توجه نکرده اید! اگر خواستید، بروید یکبار دیگر متن را برای اطلاع از محتوای آن بخوانید. خودمانیم، الان در یک مملکتی، کسی این طوری حرف بزند، ملت یقه اش را می گیرند با پس گردنی می کشندش پایین! عجب بافت فرهنگی جالبی داشته ایم توی این مملکت که تا همین ۱۰۰ سال پیش، رئیس حکومت این قدر فکر می کرده که از دماغ قیل افتاده البته لازم نیست این قدرها هم دور برویم، مثلاً تا همین ۲۶ - ۲۵ سال پیش، رئیس حکومت در ایران به هنگام صحبت کردن، به خودش می گفت: ما!]

یک جمله ی معروف تاریخی دیگر را هم برایتان می گذارم، مربوط به تحریم استعمال تنباکو در زمان ناصرالدین شاه که حکم آن متسب به میرزای شیرازی است: «الیوم استعمال تنباکو و توتون بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان است عجل الله فرجه».

[راستش را بخواهید کلمه ی «تنباکو» هم فارسی نیست و از زبان بومیان آمریکا به زبان های دیگر وام داده شده. منشأ واژه ی «توتون» را هم نرسیدم پیدا کنم. با این حساب در متن بالا، فقط سه کلمه ی «در»، «با» و «است» را مطمئن هستم که فارسی هستند!]

خوب، فکر می کنید عربی فقط تا ۱۰۰ سال پیش این قدر با فارسی آمیخته بوده؟ نه وائها چند روز پیش از کنار یک پمپ بنزین رد می شدم، یک تابلویی دیدم به این صورت: «استعمال دخانیات ممنوع»! خلاصه، بخواهید تاریخ بخوانید، شعر بخوانید، فلسفه بخوانید، منطق بخوانید ...، حتی بخواهید روزنامه بخوانید! یک کمی عربی بدانید با این که ندانید کلی توفیر ایجاد می کند در میزان درک تان و برداشت تان از متن ها و مقدار ارتباط و به تبع آن، لذتی که از خواندن متون احساس می کنید. حتی در «نوشتن» هم توانا تر می شوید و اگر روزی مقاله ای، متنی، نامه ی عاشقانه ای! چیزی نوشتید، متن تان کلی مستحکم تر و تأثیر گذارتر می شود.

«آقا، این چزایت^۱ چیه که داری سرهم می‌کنی؟ حالا کی خواست بره فلسفه بخونه، تاریخ بخونه، شعر بخونه ... نامه‌ی ... که دیگه هیچی! الان وقت این حرفاست آخه! ما کنکور داریم، کار و زندگی داریم. به چیزی بگو به درد کنکورمون بخوره بابا!»

حق دارید اگه این رو بگید. چي بگم؟ باشه، واسه‌ی کنکورتون هم مهمه، راحت شدین؟! می‌خواستم این‌جا یک‌سری اطلاعات آماری در مورد نقش عربی در کنکور سراسری بیارم، نمی‌دونم چرا حشش نیست! به خط سیر این مقدمه نمی‌خوره. می‌گذارم برای مقدمه‌ی کتاب عربی (۲). اگه این همه قصه سرهم کردم، برای این بود که فکر می‌کردم اگه آدم بدون محسّنات حقیقی کاری که می‌خواد بکنه چیه، اون کار رو با اشتیاق و علاقه‌ی بیشتری انجام می‌ده. خیلی فرقه بین این‌که فقط به کسی بگی عربی بخون چون توی کنکور میاد، با این‌که بدون آشنایی با این زبان در آینده چه قدر می‌تونه تو درکش از ادبیات، فلسفه، تاریخ و ... مؤثر باشه. خوب، چاره‌ای نیست، هرکسی به جوری عاشق می‌شه! یکی رو باید بهش بگی: «ببین، این تو کنکور خیلی مهمه» تا عاشق بشه و بخونه، یکی دیگه با فهمیدن و لمس کردن نیاز حقیقی به آموختن چیزی، عاشق می‌شه و می‌خونه. اگرچه، به نظر من خیلی فرق هست بین این دوتا عشق؛ اساساً خیلی فرق هست بین عشق صوری (ظاهری) و عشق اصیل، خیلی فرق هست بین عشق سطحی و عشق عمیق حقیقی. این فرق‌ها فقط روی کاغذ نیست. در میدان عمل، تفاوت بین «دوست داشتن» حقیقی با «دوست داشتن» سطحی خودش رو خیلی زود نشون می‌ده. عاشق حقیقی، صبوره، پشتکار داره، همت می‌کنه، تلاش می‌کنه، همه‌ی هم و غمش رو به کار می‌گیره. ولی اون یکی که انگیزه‌ی اصیل نداره، به کم که فشار بهش بیاد، می‌پُره، خسته می‌شه، عقب می‌افته، اذیت می‌شه، تحمل نمی‌تونه کنه و ...

این وسط، ما سعی کرده‌ایم «ساقی» محفل عشق شما باشیم، عشق شما به دانستن، عشق شما به کامل‌تر شدن، عشق شما به تعالی ناشی از دانایی. این کتاب هم «قدح» ما! ما پیمانه را پر کرده‌ایم و در سراسر این سرزمین می‌گردانیم^۲، بقیه‌اش دیگر با خودت. امیدوارم عشقت را به درستی انتخاب کرده باشی، و در راه رسیدن به آن از هیچ تلاشی فروگذار نکنی، و نینم آن روزی را که وسطش گیر کرده باشی و بیایی با گردن کج، بقیه‌ی همین بیت را بخوانی‌ها: که عشق آسان نمود اول، ولی افتاد مشکل‌ها!

نه، این طوری نخواهد شد، به تو مطمئن هستم.

برو به سلامت

تا بعد

۱ - کلمه‌ی «آقا» که این قدر در فارسی کثیرالاستعمال است، در دوره‌ی استیلای مغول بر ایران، از زبان مغولی وارد زبان فارسی شده و کلمه‌ای مغولی است، باورتان می‌شود؟!

۲ - جمع مکتّر جرّت و پُرت!

۳ - ألا یا أکیها السّاقی، أدر کاساً و ناولها

فهرست

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
درس پنجم		درس هفتم	
بخش اول: معانی لغات.....	۲	بخش اول: معانی لغات.....	۱۵۶
بخش دوم: تست‌های ترجمه و تعریب و مفهوم عبارات.....	۱۸	بخش دوم: تست‌های ترجمه و تعریب و مفهوم عبارات.....	۱۶۷
پاسخ‌های تشریحی.....	۲۵	پاسخ‌های تشریحی.....	۱۷۲
بخش سوم: نهج.....	۳۲	بخش سوم: نهج.....	۱۷۸
بخش چهارم: تست‌های دستوری متن درس و تمرین.....	۳۵	بخش چهارم: تست‌های دستوری متن درس و تمرین.....	۱۸۱
پاسخ‌های تشریحی.....	۴۴	پاسخ‌های تشریحی.....	۱۹۱
بخش پنجم: تست‌های منتخب کنکورهای سراسری.....	۵۲	بخش پنجم: تست‌های منتخب کنکورهای سراسری.....	۲۰۱
پاسخ‌های تشریحی.....	۵۶	پاسخ‌های تشریحی.....	۲۰۵
بخش ششم: تست‌های منتخب کنکورهای آزاد.....	۶۳	بخش ششم: تست‌های منتخب کنکورهای آزاد.....	۲۱۱
پاسخ‌های تشریحی.....	۶۷	پاسخ‌های تشریحی.....	۲۱۵
بخش هفتم: آزمون.....	۷۳	بخش هفتم: آزمون.....	۲۲۰
پاسخ‌های تشریحی.....	۷۹	پاسخ‌های تشریحی.....	۲۲۵
درس ششم		درس تکمیلی	
بخش اول: معانی لغات.....	۸۵	تست‌های درک مطلب.....	۲۳۱
بخش دوم: تست‌های ترجمه و تعریب و مفهوم عبارات.....	۹۴	پاسخ‌های تشریحی.....	۲۸۳
پاسخ‌های تشریحی.....	۹۹		
بخش سوم: نهج.....	۱۰۴		
بخش چهارم: تست‌های دستوری متن درس و تمرین.....	۱۰۷		
پاسخ‌های تشریحی.....	۱۱۵		
بخش پنجم: تست‌های منتخب کنکورهای سراسری.....	۱۲۴	کنکور سراسری تجربی ۸۲.....	۳۲۲
پاسخ‌های تشریحی.....	۱۲۸	کنکور سراسری ریاضی ۸۲.....	۳۳۵
بخش ششم: تست‌های منتخب کنکورهای آزاد.....	۱۳۵	کنکور سراسری هنر ۸۲.....	۳۴۸
پاسخ‌های تشریحی.....	۱۳۹	کنکور سراسری عمومی انسانی ۸۲.....	۳۶۲
بخش هفتم: آزمون.....	۱۴۴	کنکور سراسری زبان ۸۲.....	۳۷۶
پاسخ‌های تشریحی.....	۱۴۹		